

ریشه تاریخی مفهوم و مصداق ماده‌المواد و صادر اول در فلسفه یونان

علی حقی^۱، عباس جوارشکیان^۲، حسین بلخاری قهی^۳

چکیده

تردیدی نیست تاریخ اندیشه در حیات بشر، خصوصیتی مداوم یافته و سیری تسلسلی دارد. البته ابداعات و خلق مسائل و موضوعات جدید در این تاریخ حضوری مداوم و مبارک داشته است، اما هرگز این ابداعات سیر تسلسلی کمال اندیشه در حوزه فلسفه را منقطع نساخته است.

فلسفه که تابناکترین وجه تعقل بشری در سرگذشت اندیشه‌هاست، عهده‌دار تبیین عقلی مهم‌ترین موضوعات حیات بشر بوده که بی‌شک از جمله بارزترین آنها تبیین نسبت میان خالق و فاطر عالم با موجودات و مخلوقات است. حال اگر ظهور فلسفه در یونان را وجه برجسته تاریخ فلسفه بدانیم چگونگی رویکرد این فلسفه به ماده‌المواد و سپس صادر اول از جمله جذابترین و مهم‌ترین وجوهات این تاریخ است.

نوشتار حاضر با روش تحلیلی کوشیده است سابقه تاریخی صادر اول در تاریخ فلسفه اسلامی (عقل: اول ما خلق الله العقل) را با رجوع به اندیشه یونانیان در اینباب مورد تأمل و تحقیق قرار دهد. فرض بر این است که سرگذشت اندیشه در تمدن اسلامی با تأمل بر روی برخی اندیشه‌های یونانی همراه است و با بازخوانی عمیق مصادر فکری خود (چون قرآن و روایات) به پی‌ریزی ساختار فلسفی

۱. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد؛ haghi2012@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد؛ javareskhi@um.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛ kamalieh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۲ تاریخ تأیید: ۹۶/۱/۱۷



خویش همت گمارده است؛ با این تأکید و تنبیه این نکته که قرآن و روایات محور مطلق این پی‌ریزیند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ فلسفه، ماده‌المواد، صادر اول، فلسفه یونانی، حکمت اسلامی

* * *

مقدمه

تعلیل و تبیین عقلی عالم در یونان سابقه‌ی بیش یا نزدیک به ۲۶ قرن دارد. تبیین و تعلیلی که به یک عبارت با تالس^۱ آغاز میشود. همان کسی که ارسطو^۲ وی را آغاز فلسفه می‌شمارد. گرچه این سخن ارسطو، بویژه از منظر تاریخ فلسفه شرق و بخصوص از دیدگاه افرادی چون گومپرتس^۳ که «سراغ‌ها را در ابهام میداند»^(۱) قابل تأمل است، اما بحث در اینباب نیست. ازاینرو، ما نیز چون ارسطو می‌پذیریم که تالس فیلسوف اول بوده است. بنابراین، سخن خود را درباره‌ی صادر اول از تالس آغاز میکنیم.

فلسوفی که در سال ۵۴۶ قبل از میلاد درگذشته و البته از نظر زمانی نسبتی با فیثاغوریان دارد که در جای خود از آنها سخن خواهیم گفت. از نگاه اول میتواند این ورودیه ما، بویژه نسبت به موضوع مقاله، مورد تردید قرار گیرد؛ زیرا بنابر قول مشهور، تالس ماده‌المواد را آب میدانست. همان ماده‌ی که در قرآن مبنای حیات کلّ اشیاء است؛ «جعلنا من الماء کلّ شیء حی» (انبیاء/۳۰) میدانیم که آب ماده طبیعی است و ماده طبیعی ازاینرو که در جهان ماده، هویت مادی دارد نمیتواند صادر اول باشد، زیرا عقل نمیپذیرد منشأ صادر اول، ماده باشد. این انتقاد در جای خود انتقاد درستی است. زیرا هنگامی که از صادر اول سخن می‌گوییم صادر اول باید فی‌نفسه یک امر مابعدالطبیعی باشد که از او حیات صادر شده باشد. بعبارتی، آب بعنوان یک ماده طبیعی، یک امر عینی محسوب میشود. اعیان خود محصول صدورند نه حاکم بر صدور. ازاینرو، آب نمیتواند صادر اول باشد. حال سؤال این است که اگر چنین مبنایی درست است و این انتقاد مورد توجه

1. Thales
2. Aristotle
3. Gomperts